

حمله پیشگیرنده متهمان در پارلمان بر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

در سه چهار روز گذشته موضوع سرنوشت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توجه به مباحثات روز یکشنبه در ولسی جرگه که برخی از نمایندگان زیر عنوان انتخاب و نصب روسا و اعضای نهاد های مستقل ؛ در حقیقت هویت و موجودیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را مورد هدف قرار داده اند، موضوع داغ اکثر مباحثات حقوقی و سیاسی در درون افغانستان و همچنان مایه نگرانی نهاد های حقوق بشر در سرتاسر جهان می باشد. ناظران فکر می کنند که این طرح برخی از نمایندگان ولسی جرگه یک حمله پیشگیرنده برای جلوگیری از تطبیق عدالت انتقالی در افغانستان می باشد.

قانون اساسی به مثابه بز مرده در بزکشی قدرت در افغانستان

بسیاری از اندیشمندان افغان و از جمله دوکتور بشردوست ، وزیر پیشین پلان افغانستان ، که به دلیل مخالفت با حضور گسترده و بیلزوم انجوهای خارجی در افغانستان از مقامش مستعفی شد و اکنون نماینده منتخب ولسی جرگه از کابل است ، قانون اساسی را "بز مرده" ای می دانند که هم حکومت و هم برخی از نمایندگان شورای ملی افغانستان از آن برای مسابقه " بزکشی قدرت" سوء استفاده می کنند. **داکتر بشردوست** که خود دوکتورای حقوق از فرانسه دارد، با توجه به بند یازدهم ماده شصت و چهارم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان که " تعیین وزرا ، لوی ٔارنوال ، رئیس بانک مرکزی ، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت (هلال احمر)" را به تائید ولسی جرگه موکول می سازد، طرح تائید تقرر رئیس و اعضای سایر نهادهای مستقل و متعدد را که از آنها در قانون اساسی افغانستان نام برده نشده است، یک بحث دور از قانون اساسی افغانستان دانسته و می گوید:

"ماده شصت و چهارم قانون اساسی افغانستان در اینجا به صورت بسیار واضح و روشن در فقره یازدهم خود تائید ولسی جرگه را تنها در مورد تعیین مقامات عالی دولتی ؛ به طور مثال : وزرا ، لوی ٔارنوال ، رئیس بانک مرکزی ، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت ضروری می داند. متأسفانه در ولسی جرگه افغانستان یک تعداد کسان هستند که هنوز قبول نمی کنند و یا نمی دانند که حقوق یک علم است. بناءً هر کسی هر چیزی که دلش خواست ؛ تفسیر می کند و بیشتر در تفاسیر ماده های قانون اساسی ؛ منافع مقطعی و شخصی ، تنظیمی و قومی در نظر گرفته می شوند. کاری که ما دو روز قبل در ولسی جرگه شاهد آن بودیم ، نشان داد که بعضیها مطالبی را به نام ماده های قانون اساسی ابراز نموده اند که قانون اساسی اجازه آن را نمی دهد. بناءً هرگاه لویه جرگه قانون اساسی خواهان این می بود که روسای کمیسیونهای مستقل به تائید ولسی جرگه تعیین گردند؛ بدون شک نام این ریاستها تذکر داده می شد و یا اینکه در اخیر جمله نیاز به تائید ولسی جرگه دارد ، لفظ " وغیره" اضافه می گردید. بناءً نظر به ماده شصت و چهارم فقره یازدهم تعیین روسای کمیسیونهای مستقل به ولسی جرگه ارتباطی ندارند".

انحراف از اصل موضوع و تکرار مخالفتهای اصولی غیراصولی

آن عده از شهروندان افغانستان که قادراند از ورای شیشه تلویزیونهای شان چهره های برافروخته و جملات گلوله مانند برخی نمایندگان ولسی جرگه را ببینند، به روشنی درمی یابند که بحث جاری شورا نباید روی تغییر و یا تعدیل تشکیلات اساسی دولت و تعیین صلاحیتهای قوه مجریه و قوه مقننه باشد؛ بلکه قبل از همه مسائل مهم تری مطرح اند که شاید برای عده ای اهمیت حیاتی داشته باشند. در جمله اتهاماتی که به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بسته می شود یکی " جاسوسی برای کشورهای خارجی" است. این جمله سربسته هنوز توضیح داده نشده است ولی اینکه چرا در چنین موقعی بر زبان آورده می شود ، آقای فاضل سناچاری یکی از روشنفکران سرشناس و ژورنالیستان موفق افغانستان در زمینه اینطور روشنی می اندازد:

"با طرح یک سلسله مسائل از جمله رسیدگی به نقض حقوق بشر در افغانستان ، اجرای عدالت و جلوگیری از زورگویی و قانون شکنی و رسیدگی به کسانی که در طول چند دهه اخیر به غصب اموال مردم پرداخته اند، حقوق

شهروندان افغانستان را نقض کرده اند؛ این بسیار طبیعی است که طرح چنین مسائل یک سلسله مخالفتها و واکنشهای گسترده را در میان چنین حلقه‌ها و عناصر بر بیانیگزید؛ این به خاطر این است که در پارلمان افغانستان اکثر آسانی جمع شده اند و حضور دارند که اینها در چند دهه اخیر نقش بسیار بارز در حوادث و رویدادهای کشور داشتند. طرح چنین مسائلی طبعاً نامهای آنان را در میان می آورد و آنها با مخالفت برخورد می کنند. در ضمن ما شاهد چنین درگیریها و رد و بدل شدن اتهامات در یکی دو سال اخیر در کشور بودیم."

در حالیکه ماده ششم قانون اساسی افغانستان مشعر است که " دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت انسانی ، حمایت حقوق بشر ، تحقق دموکراسی ، تامین وحدت ملی ، برابری بین همه اقوام و قباایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد ". و ماده هفتم قانون اساسی افغانستان متعهد می شود که " دولت منشور ملل متحد ، معاهدات بین المللی ، کنوانسیونهای بین المللی ای که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند "، برخی از مخالفان کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولسی جرگه تنها به سنگ اندازی در راه تطبیق اهداف این کمیسیون اکتفا نکرده و اذعان می دارند که " : هجده مورد از جواز کفر و فسق را در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر پیدا کرده است "

در اینجا دیده می شود که محض یک انتقاد از کمیسیون مستقل حقوق بشر مطرح نبوده بلکه مخالفت اصولی ای با اعلامیه جهانی حقوق بشر در نظر است که قانون اساسی افغانستان خود را مکلف به رعایت آن می داند. آقای فاضل سانچاری که خود یک روشنفکر دینی است، از بروز چنین پدیده ای در دستگاه قانونگذاری افغانستان چنین بیم میدهد:

" این موضوع یک موضوع بسیار اساسی و بنیادی است که به کمیسیون حقوق بشر زیاد ربط پیدا نمی کند؛ و اگر این مسائل که مطرح شده اند مورد توجه نمایندگان قرار بگیرند؛ پس تمامت نظام جدید از آغاز تا امروز زیر سوال برده می شود و به این اساس ما دچار پارادوکسها و تناقضها می شویم که برای ما لاینحل باقی می ماند. به نظر من ، ما باید از برداشتهای طالبانی و تنگ نظرانه از مفاهیم دینی و اعتقادی عبور کنیم و بسیاری از اصول و مفاهیم مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را در پرتو قرآن مدرن و جدید دینی مطالعه بکنیم . در این صورت ما کدام تناقض را خواهیم دید. کسانی که این مواد را پیش می کشند، و یا حتا اسلام و دین را پیش می کشند، طبعاً به صورت ابزاری از اینها به خاطر مقاصد شخصی خود سوء استفاده می کنند."

حمله ای پیشگیرنده بر نهادی که مسئول حمایت و نظارت از تطبیق اصل عدالت انتقالی در افغانستان است

آقای داکتر بکتاش یکی از فعالان برای تامین حقوق مدنی در افغانستان ماجرای کسب رای اعتماد روسا و اعضای نهاد های مستقلی چون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و اتهام بستن بر این نهادها را چنین ارزیابی می کند:

" اساساً نه دولت و نه هیچ ارگان دولتی - از حکومت گرفته تا پارلمان و تا مراجع دیگر - صلاحیت این را ندارند، تا به آنها توصیه کنند که کی را تعیین کنند و کی را تعیین نکنند. در عین حال صلاحیت انتخاب رئیس و یا مقامات دیگر سازمانها را؛ نه پارلمان ، نه حکومت و نه هیچ ارگان دولتی دیگر در اختیار ندارند."

روزنامه پر خواننده ۸ صبح در این مورد می نویسد:

" اینان می خواهند کمیسیون مستقل حقوق بشر را از عناصر و افرادی که نمی خواهند؛ تصفیه نموده و نمایندگان و گماشته های خودشان را به جای آنها بیاورند. از این طریق هم فرصتی برای تعلیق و تعویق و در نهایت فراموشاندن گورستانهای جمعی و ستمگریهایی که بر مردم مظلوم افغانستان رفته است، به دست آرند و هم ادعاهایی را که در مورد ارتشا و اختلاس تعدادی از آنه ها وارد آمده اند، بی رنگ سازند. مزید بر اینها به تعبیری از نمایندگان معترض ؛ از پرداختن به مسائل فوری مورد نیاز مردم بگریزند. بر علاوه اینها در جنگ قدرتی که میان دولت و پارلمان از چندی به این سو جاری است ، میدان دیگری برای زیر فشار قرار دادن رئیس جمهور ببابند. در این راستا فرقی نمی کند که قانون چه می گوید."

بدین ترتیب دیده می شود؛ در حالیکه جانیان ضد بشریت منسوب به دیکتاتوریهایی نظامی دست راستی در امریکایی لائین به ویژه در چلی و پیرو؛ پس از اثبات جرایم شان توسط محاکم حقوق بشر ، این احکام را محصول کار آشوبگران ، و کمونیستان می دانستند و دست به حملات بازدارنده میزدند، متهمان به جنایات ضد بشری در افغانستان پیش از آنکه محاکمه ای تشکیل شود ، میخواستند نهاد مسؤل - کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان - را کاملاً از لحاظ قانونی خلع سلاح سازند. پس از تصویب لایحه مصونیت قضایی و حقوقی جنایتکاران جنگی در ولسی جرگه افغانستان ؛ این دومین حمله پیشگیرانه برای جلوگیری از تطبیق عدالت انتقالی به شمار می رود.